

تحولات اجتماعی و تأثیر آن بر بازار و بهای فرآورده‌ها از دیدگاه ابن خلدون

محمد علی شیخ

ابن خلدون در فصل یازدهم از کتاب چهارم مقدمه، تحت عنوان تفاضل الامصار و المدن فی کثره الرفه لاهلها و نفاق الاسواق انما هو فی تفاضل عمراتها فی الکثره و القله... آورده است: افراد انسانی به تنهایی قادر به تحصیل و فراهم آوردن معاش و رفع نیازهای خویش نمی باشند از این رو ناچار در زندگی و معیشت نیازمند مساعدت و یاری یکدیگرند. وی برای ارائه نمونه یادآوری می کند که: دانه گندم که از خوشه چیده می شود، تا هنگامی که آماده مصرف می گردد، نیازمند همکاری و تعاون دسته جمعی یا جداگانه اصناف گوناگون از قبیل آهنگر، درودگر، دامبار، شخم زن و دیگر پیشه وران است. چون دانه گندم مراحل یاد شده را پشت سر گذاشت و برای بهره برداری آماده شد، پاسخگوی نیاز افراد بسیاری فزون از فراهم کنندگان واقع خواهد شد. بنابراین، پس از اجتماع و گرد آوردن افراد و همیاری آنان، فرآورده بیش از نیاز ضروری آنان خواهد بود، و نیاز ایشان به مقداری کمتر رفع خواهد شد، و مازاد به ناچار در راه رفاه و رفع نیازمندی های دیگران به مصرف خواهد رسید و برای بازاریابی و کسب درآمد تهیه کنندگان به بازار شهرها و کشورهای دیگر سرازیر می شود. از این رو، بازراداران و سوداگران بر درآمدهای فزون از نیاز دست می یابند و به رفاه و تجمل گرایی رو می آورند. همان گونه که در باب پنجم راجع به کسب و روزی (الکسب و الرزق) یادآوری شد، کسب ها و پیشه ها بهای فعالیتها و کوششهای انسانها و هنگامی که کوشش ها و فعالیت ها راه زبادت و فزونی در پیش گیرند، ارزش آن فعالیتها و کوششها نیز رو به فزونی می گذارد و معیشت مردم زیاد می شود و سطح آن بالا می رود. این فزون یا بهانه فزون خواهی در پوشاک و مسکن، و زیباسازی و وسائل خانه می انجامد، و زندگی مرفه و خدمتکار و مرکوب هرچه بیشتر و بهتر را می طلبد. همین امر، تهیه کنندگان وسائل رفاهی جامعه را به زدن ابتکار و در پیش گرفتن مهارت واداری می دارد، تا در فرآورده های خود نهایت دقت و ظرافت و ریزدگی را به کار گیرند. از این رو بازار کار و حرفه ها رونق می یابد و درآمد و هزینه در شهرها افزون می شود و رفاه و آسایش به کارورزان و پیشه وران روی می آورد، و این چرخه ای است پویا و همواره در حرکت.

هر پیشرفتی، پیشرفت دیگری را در پی دارد و کسب ها و پیشه ها به سوی رواج و رونق می شتابند. تأثیر اجتناب ناپذیر این امر فراهم آمدن رفاه و آسایش آشکار است. صنایع هر چه بیشتر به راه رونق و شکوفایی می افتند و قیمت آنها روبه افزایش می گذارد و کار و کسب و بازار نیز پر رونق می شود که با وضع اولی معیشت کاملاً متفاوت است.

هر شهری که عمران و آبادانی و کار در آن بیشتر باشد، مردم آن شهر، نسبت به شهر یا شهرهایی که از چنین موقعیتی برخوردار نیستند، آسایش و رفاه بیشتری دارند.

ابن خلدون از آن پس به ذکر مصادیق آرای خویش می پردازد: قاضی، بازرگان، صنعتگر، بازاری، امیر، حکمران، و نظمی یک شهر پیشرفته و سرشار از رفاه یا متمدن، با همگان خود در شهرها و جای های دیگر از لحاظ درآمد و موقعیت متفاوت است. وضع یک قاضی در شهر فاس، به مراتب بهتر از وضع قاضی دیگر در شهر تلمسان است، و دیگر یادشدگان به همین گونه اند.

ابن خلدون آگاه نتیجه می گیرد: بازارها با هم فرق دارند و درآمد و هزینه در آنها متفاوت است. درآمد هر یک از بردگان هزینه های آنها را در شهرهای خود کفاف می کند تا به روستاها برسیم که کار و فعالیت

مردمش پاسخگوی نیازهایشان نیست. از این رو، بر آنها نمی توان نام شهر اطلاق کرد؛ و مردم آنها به شهرها نیازمندند و ساکنانشان نسبتاً تهیدست و محتاج و مستمندند.

ابن خلدون ادامه می دهد: مردم از شهرهای کم درآمد و روستاها به شهرهای آباد و پررونق روی می آورند. تود مردم می انگارند این امر معلول دست و دل بازی سکنه شهرهای آباد و با رونق است که چنین کشش و جذبۀ ای را به وجود آورده است؛ در صورتی که چنین نیست، این امر مولود رونق و رواج بازار کار و رفاه مردم آن شهرها است.

ابن خلدون به ذکر نکاتی درباره دخل و خرج یا درآمد و هزینه می پردازد و می آورد: وضع دخل و خرج در تمام شهرها با اوضاع و احوال آنها متناسب است؛ هرگاه درآمد فزونی گرفت، هزینه هم افزون می شود و برعکس. چون دخل و خرج راه زیادت گرفت، زندگی و معیشت ساکنان آن شهر و خود شهر توسعه می یابد.^۲

این گونه مطالب را که گفته شد منکر مشو و معلول پیشرفت تمدن و عمران و کثرت درآمد رونق پیشه و کار بدان و بذل و بخشش کسانی را که در این وضعیت قرار دارند، به همین امر مربوط بشمار. در ادامه آمده است:

حیوانات و پرندگان و حشرات هم در خانه های یک شهر چنین اند و وضع آنها درآمد و شد به آن خانه ها، به این گونه است. خانه های ثروتمندان و توانگرانی که مساحت بسیار دارند و در حیاط و پیشخوان آنها دانه ها و بازمانده سفره ها ریخته شده، مورچگان بدانها هجوم می آورند و بر آنها دسته های پرندگان حلقه می زنند و سیر و سیراب باز میگردند. ولی در خان تهیدستان که روزی اندک دارند، هیچ جانوری گرد نمی آید و در فضای آنها پرندۀ ای پرواز نمی کند و به گوشه ها و زوایای خان آنها موش و گربه ای پناه نمی گیرد.^۳

نقش بازار در رفع نیازمندیها

ابن خلدون در فصل ۱۲ از کتاب چهارم مقدمه خود آورده است:

باید دانست بازارها رافع نیازمندیهای مردم اند، اعم از نیازمندی های ضروری مانند مواد غذایی چون گندم و جو و حبوبات مانند باقلا و نخود و دانه خلرو دیگر حبوب، و چاشنی های اغذیه مانند پیاز و سیر و غیره؛ و مواد غیر ضروری که مصرف آنها در مقام تفنن قرار دارد، مثل خورش ها و میوه ها و انواع پوشیدنیها و اثاث و ابزارخانه و مرکوب ها و بناها و کاخ ها.^۴

سپس می افزاید: هنگامیکه شهر توسعه یافت و ساکنان شهر افزون شدند، بهای مواد ضروری از قبیل اغذیه و نظایر آنها ارزان و بهای اشیای تفنی چون خورشها و میوه ها گران می شود. چون جمعیت یک شهر کاهش یابد و عمران و آبادیش دستخوش ضعف گردد، قضیه برعکس خواهد شد.^۵ ابن خلدون علت این امر را ازاین قول بر می شمرد:

علت این که حبوب از مواد غذایی ضروری است، از این رو و برای تولید آنها کوشش بسیار به کار می رود و چون هیچکس از تهیه مواد غذایی ماهانه یا سالانه خود و خانواده اش غافل نیست، از این رو مردم عموماً در آن شهر یا در نواحی نزدیک به آن برای تولید آنها به تکاپو می افتند و ناگزیرند این گونه نیازمندیهای خود را فراهم آورند؛ و چون هم مردم در تهیه آنها می کوشند، مواد غذایی به دست آمده، به مقدار بسیاری بیش از نیازمندی ایشان و خانواده آنان خواهد بود. بنابراین، مواد فرا آمده زیاد می آید و نیاز بسیاری از مردم آن شهر را برطرف می کند و بی شک مواد غذایی بسیاری افزون بر نیاز مردم گرد می آید. و اغلب بهای آنها کاهش می یابد؛ مگر این که در بعضی سالها زراعت دچار آسیب های آسمانی گردد و اگر به علت بیم از این گونه آفت زدگیها مواد غذایی را احتکار نمی کردند، در نتیجه فراوانی آنها به سبب پیشرفت عمرانی و آبادانی می شد و این مواد غذایی رایگان و بلا عوض در دسترس مردم قرار می گرفت. اما دیگر لوازم غیر ضروری زندگی مانند خورشها و میوه ها و نظایر آنها چون مورد نیاز همگان نیستند، مردم به طور کلی یا اکثرشان در بدست آوردن آنها تلاش نمی کنند و توده مردم بدانها عنایتی ندارند.^۶ همین که عمران آبادانی شهر روبه فزونی نهاد، عادات و رسوم تجمل گرایانه ناشی از ثروت بیش از حد رواج می یابد؛ در این صورت این گونه لوازم تفنی طالبان فراوانی خواهد یافت و طبقات مختلف اجتماعی آنها را به نسبت رفاه و آسایش زندگی خود بکار گرفته، به آنها نیاز پیدا خواهند کرد. ولی مقدار موجود این گونه لوازم تفنی در برابر نیاز مردم بی اندازه اندک خواهد بود و خریداران آنها روز افزون است، در صورتی که لوازم تفنی و تکاملی به همان میزان نخست کمیاب بر جای می مانند. از این رو خواستاران آنها برای به دست آوردنشان ازدحام می کنند و توانگران و خوشگذران بهای آنها را بیش از اندازه گران می پردازند، چون خود را نیازمند آنها احساس می کنند و به این سبب چنین لوازمی چنانکه می بینیم، گران می شود.^۷





این خلدون سپس به دستمزد و هزینه زیاد تهیه این لوازم در بازار کار شهرها می پردازد و میگوید:^۸
بالا بردن دستمزدها برای تولید این گونه لوازم سه علت دارد:

۱ - نیاز فراوان مردم به این که از آبادانی و عمران و توانگری و تجمل خواهی مایه می گیرد؛
۲ - مهم شمردن پیشه وران و صنعتگران کار خود را عزیز داشتن خویش به سهولت معاش در شهر و ارزانی و فراوانی ارزق ضروری و عمومی؛

۳ - فزونی ثروتمندان آسایش طلب و نیاز بسیار آنان به استفاده از خدمات دیگران و بهره وری از مهارت صنعتگران. از این رو رقابت و همچشمی آنان با یکدیگر سبب می شود تا دستمزدهای گزاف و بیش از ارزش حقیقی کار بپردازند و در نتیجه کارگران و هنرمندان و پیشه وران ارجمند می گردند و کار ایشان گران می شود، و این امر هزینه زندگی مردم شهر را بیش از پیش افزایش می بخشد؛

این خلدون بازار شهرهای کوچک را بررسی می کند: به علت رکود بازار کار، قوت و روزی مردم بقدر نیاز فراهم نمی آید، و هر کسی سعی بر آن دارد تا هر چه بیشتر ارزاق را ذخیره کند. لذا ارزاق عمومی کمیاب می شوند و بهای آنها فزونی می گیرد و بازار کساد و بی رونق می شود و مراتع و وسائل کسب روزی مردم به سبب نداشتن خواهان بی استفاده می مانند و تباه می گردند.

اثر باج و خراج بر بازار

باج و خراجی که به نام سلطان در بازارها و دروازه های شهر بر ارزاق عمومی وضع می شود و منافعی را که باجگیران برای خود می گیرند، بر قیمت مواد غذایی اثر می گذارد و بهای آنها را افزایش می دهد. فروشندگان پرداخته اند بهای کالای خود می افزایشند و به همین سبب بهای مواد غذایی در شهرها گرانتر از روستا هاست، زیرا باج و خراج و دیگر تکالیفی که مأموران بر مردم تحمیل می کنند در میان روستائینان اندک است یا بکلی وجود ندارد؛ ولی در شهرها، بخصوص در آخرین مراحل دولت ها این گونه مالیاتها روز افزون است.^۹

تأثیر کار و هزینه بر مواد غذایی

گاهی کار و تلاش و هزینه هایی که برای تحصیل مواد غذایی به عمل می آید بر بهای آنها می افزایشد. این خلدون مثالی از محیط زندگی خویش را در این باره آورده است: در اندلس چون مسیحیان، مسلمانان را از اراضی حاصلخیز آن دیار رانند، مسلمانان ناچار به کنار دریا و بلاد ونواحی ناسازگار آن پناه بردند و در آنجا گیاه

و زراعت به خوبی به دست نمی آمد، و مسیحیان شهرهای خوش آب و هوا را از تصرف آنان خارج ساختند. از این رو ناگزیر شدند برای کشاورزی گاوهای مخصوص زراعت را کرایه کنند و با ممارست به اصطلاح گیاهان و حاصلخیز کردن زمینها بپردازند و در این راه سعی و کوشش فراوان مبذول دارند. و نیز با تخم رنج فراوان به کارهای پرارزش زراعتی و تهیه کود دست یابند و در راه کشاورزی مخارج خطیری را متحمل شوند. این هزینه ها و کار و تلاش بسیار آنان بر بهای محصولات کشاورزی تأثیر فراوان بخشید و به همین سبب از هنگامی که مسیحیان مسلمانان اندلس را به مهاجرت به این نواحی ناگزیر کردند و سواحل و نواحی اطراف آن به مسلمانان اختصاص یافت، کشور اندلس دچار گرانی ارزاق شد، و مردم وقتی دیدند سرزمین ایشان به گرانی ارزاق مبتلا شده است، گمان کردند علت آن کمی مواد غذایی و جوب در آن ناحیه است، در صورتی که چنین نیست و مردم اندلس چنانکه می دانیم نسبت به مردم آن ناحیه کشاورزتر و در این امر از دیگران بصیرترند و کمتر فردی، از سلطان گرفته تا بازاری، در این سرزمین یافته می شود که دارای کشتزار یا زمین مزروعی کوچکی برای کشاورزی نباشد، مگر گروه اندکی از صنعتگران و پیشه وران یا غریبانی که از شهرهای دیگر آمده اند از قبیل مزدوران جنگجو که فاقد زمین مزروعی اند. از همین رو است که سلطان به این گونه جنگجویان جیره یا حقوق جنسی اختصاص می دهد، مواد غذایی و علوفه آنان را به مزارع حواله می دهد. بنابراین، علت گرانی همانست که گفته آمد. برعکس بربرها چون در سرزمینهای حاصلخیز و آبادان به سر می برند همه آن سختیها و تلاشها و هزینه های سنگین یاد شده از آنان دور می شود.^{۱۰}

این بود شمه ای از آراء بدیع یک دانشمند قرن ۸۰۹ هجری، گرچه امروز با پیشرفت علم اقتصاد این گونه نظریات تازگی ندارند، ولی این امر از اهمیت و ارجمندی مقام ابن خلدون دانشمند برجسته جهان اسلام در روزگار خود نمی کاهد بلکه به سبب نوآوری و طرح مطالب تازه، پیوسته در آسمان دانش بشری می درخشد.

پی نوشت

۱. برتری شهرهای کوچک و بزرگ بر یکدیگر به رفاه مردم و رونق و رواج بازار و عمران و آبادانی آنها مربوط است. مقدمه، ص ۲۸۶، چاپ دارالعودة بیروت، سال ۱۹۸۸ م.
۲. مقدمه ابن خلدون، ص ۲۸۸.
۳. مقدمه، ص ۲۸۷.
۴. مقدمه، ص ۲۸۷.
۵. مقدمه، ص ۲۸۸.
۶. مقدمه، ص ۲۸۸.
۷. مقدمه، ص ۲۸۸.
۸. مقدمه، ص ۲۸۸.
۹. مقدمه، ص ۲۸۹.
۱۰. مقدمه، ص ۲۸۹.

منبع

اولین کنگره بین المللی بازار، تبریز، ۱۳۷۲

